

➤ مقدمه:

هنر شیشه گری از جمله هنرهای دستی کهن و اصیل ایرانی است که به لحاظ نیاز به مواد اولیه خاص و متنوع و روش های پیچیده ساخت و تقسیم کار در فضای کارگاه و نیاز به سرمایه گذاری کلان، همواره در داخل شهرهای بزرگ فعال بوده و هنری شهری محسوب می گردیده است.

دوران قاجار عصری از تاریخ ایران محسوب می شود که در آن به سبب همزمانی با انقلاب صنعتی و گسترش روابط خارجی، صنایع دستی با پدیده کالای صنعتی مواجه می گردد. توسعه زندگی شهری، موجب شکل گیری نیازهایی می گردد که صنایع سنتی در برآوردن آن ناتوان گشته و کالای صنعتی برای برآوردن نیازهای بازار عرضه می گردد.

در دوران قاجار به سبب ناتوانی کارگاههای شیشه گری دستی در برآوردن نیازهای مصرفی و تزئینی، کالاهای شیشه ای از کشورهای صنعتی وارد ایران می گردد که جایگزین شیشه های تولید دستی می شود.

اقتصاد وابسته به شیشه و تولید آن که تا این دوران نقش حاشیه ای در مسائل اقتصادی ایران داشته و هیچگاه هنر ملی ایران محسوب نمی شده است، در این دوران به سبب روند رو به رشد واردات و حجم بالای سرمایه ای که صرف واردات این کالاها می گردید، واکنش هایی را از جانب حکومت وقت و سرمایه گذاران صنعتی موجب می گردد که مطالعه و بررسی این تلاشها، ما را با اوضاع شیشه گری سنتی و تلاشهایی که در جهت تولید صنعتی رخ می دهد، آشنا می سازد. در بخش اول مطالعه سعی شده است که با استفاده از مطالب تاریخی و سیاسی و فرهنگی به شرح و توصیف اوضاع اجتماعی و فرهنگی دوران قاجار و تجارت و سرمایه داری در این دوران پرداخته شود. در فصل دوم با استفاده از اسناد تاریخی و اقتصادی، نمایی از وضعیت حضور شیشه در جامعه قاجار به تصویر کشیده شده و به مواردی از تلاشهای ایران در مواجهه با کالاهای صنعتی وارداتی نیز اشاره می شود.

در فصل سوم این رساله به مطالعه و بررسی شیشه های وارداتی پرداخته و نمونه های موجود در موزه ها و مجموعه های خصوصی معرفی و طبقه بندی شده است.

در فصل چهارم به تحلیل و بررسی شیشه گری سنتی در دوران قاجار، شیشه های وارداتی و تاثیری که این آثار بر تولید شیشه گری دستی می گذارد پرداخته شده است.

مطالعه و پژوهش در زمینه صنایع دستی دوران قاجار، در ابتدای امر به سبب نزدیکی به دوران معاصر آسان می نماید. اما به سبب عدم وجود مطالعات دقیق علمی و اسنادی در این زمینه، در سیر پروژه با محدودیت های بسیاری در دسترسی به مستندات و مدارکی در زمینه مورد بررسی مواجه گردیدم که در مراجعه به مرکز اسناد ملی، امور خارجه و دیپلماسی، مجلس شورای اسلامی و . . . نیز به تعداد محدودی از اسناد مواجه گشتم که در رساله به آن استناد شده است.

➤ بیان کلی مسأله پژوهش:

دوران قاجار به سبب همزمانی با انقلاب صنعتی و پاره ای از تمایلات سیاسی که رشد ارتباطات ایران با کشورهای غربی را در پی خود داشت، رخدادهای فرهنگی، هنری و اقتصادی متفاوت از دوران قبل را منجر می شود و این در واقع اوضاع کنونی هنرها را بنیان می گذارد. سرزمین هایی چون فرانسه و روسیه که به تولید صنعتی دست یافته بودند، هر کدام در جهت کسب و ارضای هدف خاصی، بازارهای ایران را با انبوه کالاهای صنعتی تحت تاثیر قرار دادند. تولیدات شیشه در این دوران در اغلب شهرها برای رفع نیازهای محلی تولید می شد. اما این تولیدات به سبب عوامل بسیاری در برابر موج عظیم آثاری که به روش های صنعتی تولید و با انگیزه های تجاری و سیاسی وارد بازارهای ایران گردیده بود توان مقابله و رقابت نداشت.

در این دوره آثار شیشه ای وارداتی از کشورهای چوَن فرانسه، روسیه، بوهَم و هند وارد بازار شیشه ایران شد که دارای تکنیک ها و روش های تزئین متنوعی بود. در این پروژه با بررسی تلاشهایی که ایران برای مقابله با روند رو به رشد واردات شیشه و استقلال در این زمینه می نماید، به مطالعه آثار وارداتی و نمونه های تولید داخلی پرداخته می شود. در نهایت با تحلیل و بحث در زمینه تاثیر واردات بر صنعت شیشه در ایران، دلایل شکست ایران در این زمینه مورد بررسی قرار می گیرد.

➤ ۶- پرسش های پژوهش:

۱. اوضاع شیشه گری سنتی ایران در دوران قاجار به چه صورت بوده است؟
۲. شیشه های وارداتی از چه کشورهایی وارد ایران می شد و دارای چه ویژگی هایی بوده است؟
۳. دولت ایران چه تلاشهایی برای مقابله با روند رشد واردات شیشه نمود؟
۴. نقش آثار وارداتی بر هنر-صنعت شیشه ایران به چه صورت بوده است؟

➤ اهداف پژوهش و ضرورت آن:

۱. بررسی اوضاع شیشه گری در دوران قاجار و تلاشهای ایران در رقابت با آثار وارداتی و تامین نیازهای بازار ایران در این دوره
 ۲. بررسی واردات شیشه در دوران قاجار و مطالعه و معرفی آثار وارداتی
- بررسی اهدافی که بیان شد علاوه بر شناخت و آگاهی ما نسبت به اوضاع شیشه گری ایران در دوران قبل از واردات ، آثار وارداتی نیز مطالعه می شود و در پی آن به سبب نزدیکی دوران قاجار به دوران معاصر ، عوامل عدم کیفیت محصولات ایرانی بررسی می گردد ، چرا که از این دوره است که شیشه به کالا بدل می گردد ، و تلاشهای ایران برای استقلال و خودکفایی تولیدات داخلی ناکام می ماند.

➤ فرضیات پژوهش:

۱. به نظر می رسد که شیشه ایرانی در اوایل دوران قاجار برای رفع نیازهای ضروری و با کیفیت نامطلوب در اغلب شهرها تولید می شده است.
۲. احتمالاً آثار وارداتی دوران قاجار از کشورهایی چون فرانسه ، آلمان ، روسیه و هند وارد ایران می شده که دارای کیفیت مطلوب و تکنیک های متفاوت بوده است که این سبب شروع وابستگی های بازار ایران به این کالاها می گردد.

➤ پیشینه پژوهش:

در زمینه شیشه گری دستی دوران قاجار ، به سبب عدم مطالعات دقیق علمی و تاریخی، منابع خاصی در دسترس نمی باشد.

برای مطالعه در این زمینه در کتاب گرایش به غرب مجموعه ناصرخلیلی، اشاراتی نیز به شیشه در این دوران شده است. در کتاب لاتین صنایع در دوران قاجار نوشته ویلم فلور، بخشی از کتاب به شرح و توصیف صنعت شیشه با دیدگاه صنعتی در این دوران پرداخته است که مطالب مفیدی را ارائه می نماید.

در کتاب عدم رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجاریه نوشته احمد اشرف نیز اشاراتی به سرمایه گذاری های صنعتی در زمینه شیشه شده است. تاریخ اقتصادی نوشته چارلز عیسوی نیز به شرح واردات و صادرات شیشه در این دوران و تلاشهای ایران در مواجهه با واردات کالاهای شیشه ای پرداخته است. در پایان نامه کارشناسی ارشد خانم شفیق پور نیز در بخش کوتاهی از شیشه در دوران قاجار یاد شده است.

در مجموع تاکنون مطالعه جامعی در زمینه اوضاع شیشه گری دستی در جامعه قاجاری و تاثیری که واردات بر این صنعت می گذارد توسط نگارنده مشاهده نشده است.

اطلاعات مربوط به روش شناسی پژوهش:

▪ **تعریف جامعه آماری و ویژگی های آن:**

آثار شیشه ای موزه ای در تهران، اصفهان و تبریز یا مجموعه های خصوصی که متعلق به دوران قاجار است و در این دوره ساخته یا وارد ایران شده است. این نمونه ها آثار شیشه های جام یا تخت را در بر نمی گیرد.

▪ **روش نمونه گیری و حجم تقریبی نمونه:**

روش نمونه گیری به صورت نمونه گیری تصادفی خوشه ای می باشد. بدین صورت که در هر بخش از بررسی آثار قبل از واردات و وارداتی و نمونه های ایرانی که حاصل تولیدات صنعتی می باشند، آثاری از هر مجموعه انتخاب می گردد و در هر گروه بدان پرداخته می شود. حدود آثار مورد بررسی در بخش شیشه های ساخت ایران ۱۵ اثر می باشد. از آنجا که نمونه اصلی این پژوهش، شیشه های وارداتی می باشد، در فصل مربوط به این بحث حدود ۶۰ اثر مطالعه شده است. در مجموع ۷۵ تا ۸۰ اثر در این پژوهش مطالعه می گردد.

▪ **ابزار سنجش و مقیاس های سنجش (پایایی - اعتبار):**

آثار موزه ای در موزه های تهران و اصفهان و تبریز - آثار متعلق به مجموعه داران خصوصی ایران و جهان - سند های مکتوب سازمان اسناد - سند های مکتوب کتاب های ایرانی و لاتین

▪ **روش تجزیه و تحلیل داده ها:**

روش تجزیه و تحلیل داده ها به صورت استدلال استقرایی می باشد

➤ منابع و مآخذ:

بررسی در زمینه شیشه های وارداتی و آثار شیشه ای ساخت ایران در این دوره، موضوع مطالعه به طور اخص نبوده است. نگارنده برای مطالعه این آثار و در جهت یافتن منابع مکتوب و مستندات با چند گروه از منابع مواجه گشت:

۱. سفرنامه ها: اولین منابع مستند که توسط سیاحان و گاهی سفیران سیاسی و اجتماعی کشورها در بازدید از ایران نگاشته شده بود، صداقت و امانت در نگارش این اسناد به سبب اینکه، گاهی گزارشی از جانب مامور سیاسی حاضر از کشورهای متفاوت بوده است رعایت شده است. لذا این منابع هرچند نسبت به کتب مرجع از اعتبار اسنادی کمتری برخوردار بود، ولی به سبب وجوه گزارشی که نویسندگانشان در نگارش دقت نموده بودند و به صورت دقیق و درست به توصیف بازارها و صنایع رایج در آنها پرداخته اند. در مواردی سیاحت نامه ها نیازهای بازار ایرانی را گزارش داده و در جهت منافع اقتصادی کشور خویش کوشیده اند.

سیاحان در مواردی ایرانی بوده اند و در بازدید از کشورهایی که دارای توسعه صنعتی بودند، به توصیف صنایع و کارخانه ها پرداخته اند و لذا اینان نیز منابع مستندی در مورد شیشه گری در این دوران در کشورهای صنعتی است.

در دوران قاجار سیاحان زیادی از ایران دیدن می کنند و در مطالعه این آثار با انبوهی از این سفرنامه ها مواجه می شویم. در این بین سفرنامه هایی مورد مطالعه و استناد قرار گرفت. سفرنامه هانری رنه دالمانی، هاینریش بروگش (سفری به دربار سلطان صاحبقران)، کارستن نیبور، ژنی ام تانگوانی، هنری پاتینجر، جرج لرد کرزن، جیمز بیلی فریزر، یاکوب ادوارد پولاک و ... از سفرنامه هایی هستند که توسط سیاحان خارجی در بازدید از ایران به توصیف صنایع و محصولات رایج در ایران این دوران پرداخته اند. سفرنامه فتح الدین فتاحی به اروپا، سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورگ، سفرنامه های ناصرالدین شاه، سفرنامه فرخ خان امین الدوله و ... از جمله آثاری هستند که توسط ایرانیانی که به اروپا و روسیه سفر می نمایند، نگاشته شده است. در این آثار توصیف دقیقی از کارخانه هایی که بازدید نموده اند آمده است. هرچند کمتر در این آثار از کارخانه های شیشه گری سخن به میان آمده است.

۲. گروه دوم از منابع، کتاب هایی هستند که به توصیف شرایط اجتماعی و فرهنگی در دوران قاجار می پردازد. از نمونه های این کتب می توان به آثار فریدون آدمیت اشاره نمود. آثاری چون امیرکبیر و ایران، اندیشه ترقی، افکار اجتماعی و

سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار از نوشته های دکتر آدمیت در این زمینه است. تاریخ ایران نوشته گران توسکی، ایران در دوره سلطنت قاجار نوشته علی اصغر شمیم، ایران عصر قاجار نوشته لمبتون، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران در دوران قاجاریان نوشته احمد تاجبخش و... از آثاری است که در این بخش از مطالب نگارنده را یاری رسانده است.

۳. گروه سوم آثاری هستند که به توصیف شرایط اقتصادی و نظام سرمایه داری حاکم بر آن دوران پرداخته و عوامل شکست ایران در سرمایه داری های صنعتی را مورد تحلیل قرار داده است. این گروه از آثار در پاسخ به سوالات بنیادین نگارنده در بخش تحلیل و بررسی داده یاری می رساند. در واقع این آثار از منابع اصلی محسوب می شود که در سیر کلی پروژه مفید بوده است. تاریخ اقتصادی ایران در دوران قاجاریان نوشته چارلز عیسوی از مرجع ترین منابع در زمینه اوضاع اقتصادی و صنایع این دوران می باشد. کتاب موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران در دوران قاجار نوشته احمد اشرف نیز از جمله منابع مستند و معتبر در این زمینه محسوب می شود. گنج شایگان نوشته محمد علی جمالزاده نیز به توصیف دقیق صنایع و شرایط اقتصادی ایران دوره قاجاریه پرداخته است، با این توضیح که اشاره مختصری به صنعت شیشه گری می شود و کمتر به موضوع این پژوهش یاری می رساند.

۴. گروه دیگر آثار مکتوب که به سیر این پژوهش یاری می رساند، کتابهایی هستند که به توصیف اوضاع و شرایط هنری موجود در آن دوران پرداخته اند. این مجموعه از آثار به دلیل سیر کلی این مطالعه به صورت گسترده استفاده نشده است. از معدود آثاری که برای این بخش از آن بهره برده می شود، گرایش به غرب از مجموعه هنر اسلامی ناصر خلیلی است که توسط سیدنی ام گلدشتاین نگاشته شده است. هنر صفوی، زند و قاجار نوشته جیان روبرتو اسکارچیا از دیگر منابعی است که به این موضوع پرداخته است.

۵. گروه بعدی منابع پژوهش حاصل، کتب و مجموعه اسنادی است که به بررسی روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران با سایر کشورها در این دوران می پردازد. در این مورد، کتابهایی چون تاریخ روابط ایران و فرانسه نوشته ابوالحسن غفاری، روابط ایران با دول خارجی نوشته جلیل نائیبیان نگارنده را یاری رسانده اند.

کتابهای دکتر آدمیت و برخی منابع تاریخ اجتماعی قاجار نیز در این زمینه مطالب سودمندی ارائه می نماید.

در بخش منابع لاتین منبع اصلی، کتابی از ویلم فلور که تا کنون ترجمه نشده است و در زمینه صنایع سنتی دوران قاجار می باشد، مطالعه و ترجمه شده است. در این کتاب در فصلی مجزا به بررسی اوضاع شیشه گری در ایران قاجاریه پرداخته است. ویلم فلور جامعه شناس هلندی که در زمینه دوران قاجاریه مطالعات بسیاری نموده است، به این مقوله بیشتر به عنوان تولیدی صنعتی پرداخته است و با سیر کلی این پروژه متفاوت است. در هر صورت از منابع اصلی این پژوهش محسوب می شود.

Traditional craft in qajar iran-willem floor.mazda
publisher.california:1980

مقالات و کتابهای لاتین دیگری نیز در این زمینه چاپ شده است که فهرست دقیق آن در منابع لاتین آمده است.

۶. اسناد موجود در مرکز ملی اسناد، مرکز اسناد وزارت امور خارجه و دیپلماسی، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی منابع مستند و معتبری بودند که به سیر پروژه اعتبار بیشتری بخشیدند. در این رساله، اسناد به فرضیه ها و نتایج نگارنده اعتبار می بخشد.

۷. پایان نامه و رساله ای در این زمینه به طور اخص تا تاریخ دفاع این رساله در دانشگاههای هنر ایران انجام نشده است. دو پایان نامه کارشناسی هنر اسلامی در دانشگاه هنر اسلامی تبریز به تحلیل آثار شیشه دوران قاجار پرداخته که صرفاً جنبه توصیفی دارد و از این رو، در این پژوهش به این منابع استناد نشده است. در دانشگاه هنر رساله کارشناسی ارشد خانم آسیه شفیعی پور در زمینه عوامل و علل پیشرفت شیشه گری در کشورهای پیشرفته و مشکلات تولید آن در ایران موجود است که در این رساله نیز از آن استفاده شده است. رساله ایشان پژوهش جامع و کاملی از تاریخ شیشه گری در ایران و کشورهای خارجی را ارائه می دهد و در بخش از آن به بررسی شیشه گری در دوران قاجار به مختصر پرداخته است.

* پایان نامه کارشناسی ارشد- بررسی عوامل و علل پیشرفت هنر شیشه گری در کشورهای پیشرفته و مشکلات تولید آن در ایران- آسیه شفیعی پور بالدار-
۱۳۸۴: دانشگاه هنر

*نگارنده تاکنون رساله یا پژوهشی مختص در این زمینه نیافته و در اغلب موارد اشاره کوتاهی به هنر شیشه در دوران قاجار شده است

۱-۱ شرایط اجتماعی و فرهنگی در دوران قاجار

دوران قاجار به سبب مقایرت با دوران های قبل ، ویژگیهای متفاوتی از جهت بنیان های ساختاری اجتماعی و فرهنگی دارد که سبب شکل گیری اتفاقاتی می گردد که بر اقتصاد، روابط خارجی، واردات، نوع کالای مصرفی و اموری از این دست تاثیر می نهد. دوران قاجار با تحولات و دگرگونی های بسیاری که در پیش داشت، بر جامعه ای وارد شد که خصلت ها و خصایص دوران قبل تر را همچنان در خود باقی داشت و در ابتدا، جامعه عصر قاجاریه نیز وارث همان خصایص گردید. «این جامعه دارای دو طبقه مشخص حاکمان و جامعه ایران بود. در طبقه حاکمان که متشکل از دولت و روحانیت بود بر سر قدرت طلبی و بسط نیاز در میان مردم مبارزه ای پنهان و مداوم در جریان بود که در این مبارزه همیشه پیروزی با روحانیت بود.» (شمیم، ۱۳۸۴: ۳۶۶) تفاوت در بینش ها و سیاست گذاری های شاهان این دوره بود که تمایزات گسترده بین صفویه و قاجار را موجب می شود.

«ایران دوران قاجار دارای ۵ الی ۶ میلیون نفر جمعیت بود. بین نصف تا یک سوم این جمعیت صحرانشین بودند که در قالب ده ، عشیره و قبایل ها، ایل، طایفه بزرگ و کوچک در مناطق شمال، غرب و جنوب غربی ایران پراکنده بودند. مابقی جمعیت ایران نیز در شهرها و روستاها سکونت داشتند.» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۰) گسترش شهرنشینی در این دوران به سبب وسعت شهرها و مدنیت حاکم بر آن دوران سبب شکل گیری گونه ای متفاوت از زندگی گردید که نیازهایی جدید را نیز در پی داشت. «از جمعیت اسکان یافته، در حدود ۲۰ درصد شهرنشین و هشتاد درصد مابقی در ۲۰ هزار روستا پراکنده بودند. اگر از چند شهر بزرگ صرف نظر نماییم (اصفهان، تبریز، شیراز، کرمان و قزوین) مابقی جمعیت شهرنشین در شهرهایی زندگی می کردند که چیزی بیش از یک روستای بزرگ نبودند.» (Bahrier، ۱۹۷۱: ۴)

رویکرد سنتی جامعه ایران در همه زمینه ها در این دوران حتی در زمینه سیاسی و اقتصادی بیانگر بنیان های فکری است که ریشه در تداوم باورها و در نهایت دوری از روابط با کشورهاست. «با توجه به رسوخ کامل عقاید مذهبی در ذهن اکثریت مردم و نیز با توجه به این که سنن و آداب ملی ایرانی و حتی اعیاد و و جشنهای خاص ایرانی از قبیل عیدنوروز و امثال آن، جزئی از شعائر مذهبی محسوب می شد، باید جامعه ایران عصر قاجاریه را جامعه مذهبی خواند» (شمیم، ۱۳۸۴: ۳۶۷)

و این رویکرد سنتی حتی در فن و پیشه هم جاری است. شغل و صنعت و پیشه و فن در خانواده ها تقریباً موروثی بود و حال این سوال مطرح می شد که آیا روشهای سنتی، می توانست پاسخگوی نیازهایی باشد که در نتیجه شهرنشینی حاصل شده بود؟ به طور حتم نیاز به شیوه های گوناگون آموزش برای تعلیم روشهای زندگی در جامعه شهری نیاز بود. تفاوت در فنون و پیشه های رایج در روستا و شهر ضرورت تغییر روشهای سنتی را بیشتر نمایان می نمود. تفاوت فن و پیشه در جوامع روستایی و شهری نیز بدین گونه بود که: «روستاییان اجناسی را که می توان به پول تبدیل کرد از قبیل محصولات کشاورزی و حیوانات اهلی یا فرآورده های آنها را در اختیار داشتند. حال آنکه شهرنشینان برای بدست آوردن معاش خویش به کار صنایع می پردازند و گروهی بازرگانی پیشه می کنند.» (اشرف، ۱۳۵۹: ۳۶)

اقتصاد ایران صرفاً بر بنیان هایی چون کشاورزی استوار بود؛ «در پایان سده ۱۸ و آغاز سده ۱۹ ایران کشور کشاورزی پس افتاده ای بود و به طور کلی قشر فئودالها آنرا می گرداندند و عشایر کوچ نشین با نظام روابط تولیدی نیمه فئودالی- نیمه پدرسالاری زندگی می کردند.» (گرانوسکی، ۱۳۵۹: ۳۰۷) این درحالی بود که کشورهای اروپایی بر نظام سرمایه داری صنعتی قدرتمندی استوار بود و نیازهای کشاورزی و مولد اولیه مصرفی خود را از کشورهای ایران تامین می نمود. و صنایع را در خدمت خود داشتند.

چارلز عیسوی مولف کتاب تاریخ اقتصادی ایران اوایل دوران قاجار را بدین صورت وصف می نماید: «ایران در ابتدای قرن نوزدهم جامعه ای بود به لحاظ اقتصادی بسیار فقیر، عقب مانده و کم جمعیت، به لحاظ ارتباطات پراکنده و بی ارتباط و به لحاظ اجتماعی در تجارت، سیاست، روابط بین الملل، علم و فرهنگ منقطع، منفک و جای مانده از مابقی جهان.»

در ابتدای دوران قاجار، تهران به عنوان پایتخت ایران انتخاب شد و در پی آن بود که صنایع و بازارهای بزرگ و مراکز اداری در این شهر قرار گرفت. پس از اینکه آغامحمدخان به سلطنت رسید و وحدت ملی را پایه گذاری کرد، تهران را با جمعیت یکصد هزار نفر پایتخت قرار داد و به فکر درآمدی برای اداره کشور خویش افتاد. «آغا محمد خان با ایجاد امنیت نسبی توانست به زراعت و کسب و صنعت و تجارت رونق بخشد و صنایع دستی و هنرهای ظریف را توسعه دهد و در نتیجه محصولات کشور ما دوباره توانست وارد بازارهای جهانی شود و نقشی در توسعه

و رونق تجارت خارجی داشته باشد.» (تاجبخش، ۱۳۸۲: ۴۰۹) مرگ زود هنگام اولین تاجدار قاجاری، و حاکمیت فتحعلیشاه را شاید بتوان آغاز عصر جدیدی در تاریخ ایران به شمار آورد. «وی در سال ۱۲۱۸ هجری (مقارن ۱۸۰۳ میلادی) برای مقابله با نیروی نظامی روسیه، درصدد جلب متحدی برآمد که سبب توجه شاه به دولت فرانسه گردید و نتیجه این توجهات موجب عقد قرارداد فین کن اشتاین گردید که ناپلئون، ایران را در مقابله با دولت انگلستان و روسیه متحد خود می ساخت. (شمیم، ۱۳۸۴: ۶۰) که این نیز با گذر زمان تغییر و در مسیر دیگری ایران را متضرر ساخت.

فتحعلیشاه برای تحکیم قدرت خود به حمایت از معماری و هنر برخاست و حتی به مرمت و تزیین اماکن مقدسه و ساخت مساجد جدید نیز اقدام نمود. این امر سبب افزایش اعتبار او در میان طبقه علما و روحانیون گشت. در دربار فتحعلیشاه هنرهای مختلفی شکوفا شد، خصوصاً خوشنویسی که شخص شاه با آن آشنایی داشت و تمرین خط می کرد. فرمان‌ها در ایران به خط تعلیق نوشته می شد. شاه به استفاده از چهره نگاری درباری برای تبلیغ حکومت اشتیاق وافر داشت.

سلطنت ناصرالدین شاه را شاید بتوان، دوران بیشترین تحولات ایران آن دوران یاد کرد. در این دوره به سبب صدارت امیرکبیر، سفرهای پی در پی ناصرالدین شاه به اروپا، اعزام دانشجویان به خارج از ایران برای کسب علوم و صنایع، گسترش روابط ایران با سایر کشورها، سرمایه گذاری تجار خارجی در ایران و عواملی از این دست، تحولات عمده ای در تهران و سایر شهرها صورت گرفت که این دوران را نسبت به سایر دوران‌ها متمایز نمود. وجود میرزا تقی خان امیرکبیر، شاه را از میان محیط آشفته و تشنج سیاسی و شورش‌های گوناگون رها کرده و به تحکیم اساس سلطنت وی مبادرت ورزید.

شاه در این میان می توانست بدون دغدغه‌های اداره حکومت، به سیاحت سرزمین‌های غربی بپردازد. چنانچه خلیلی در توصیف سفرهای شاه می گوید: «شاه در سالهای ۱۲۹۵ و ۱۲۹۰ و ۱۳۰۶ ه.ق به اروپا سفر کرد و در بازگشت از این سفرها دانش گسترده ای از جهان کسب کرده و بسیاری چیزهای جدید با خود به همراه آورده بود.» (۱۳۸۳: ۱۰۰) دیدار از صنایع سرزمین‌های اروپایی به دو جهت در شاه تاثیر می گذاشت؛ از سویی تلاشهایی برای ورود و راه اندازی این صنایع در ایران انجام گرفت، و از سویی دیگر به سبب مشکلاتی که در ایران برای ایجاد این صنایع

وجود داشت، شاه درصدد وارد نمودن محصولات صنعتی برآمد که سهل تر می نمود و سبب گسترش روابط دوستانه با این کشورها می گردید.

پیامد حاصل از این سفرها با مرگ ناصرالدین شاه، و سلطنت مظفّرالدین شاه به گونه ای دیگر ادامه یافت که سبب وابستگی های مالی ایران به کشورهای دیگر گردید. وی بر خلاف شاه پیشین، غرب را صرفاً فقط به واسطه جایی برای خوشگذرانی و اموری از این دست به حساب می آورد. و در واقع در دوران سلطنت وی، سیری که در دوران قبل در جهت رشد سرمایه داری صنعتی شروع شده بود، متوقف می گردد.

تفاخر و تجمل پرستی که در ایران همزمان با گسترش مدنیت مشاهده می شود، سبب گونه ای از زندگی می گردد که اسبابی در خور را طلب می نماید. اعتماد السلطنه در الماثر و الآثار ذکر می کند: « امروز هیچ خانه ای از اغنیاء و متوسطین ایرانیان نیست مگر اینکه البته به مقداری از اسباب زینت مابین افراط و اقتصاد آراسته شده است. از قبیل قنادیل بلورین و مسرجه های زجاجی و آبگینه های سنگی و اوانی مستطرف و پرده های مطرز و میزهای ممتاز و اصناف صندلیهای مخصوص و مخدات مستحدث و امثال ذلک، و ارباب ثروت در داشتن مبل هم با هم تفاضل می کنند و تفاخر می نمایند.» (افشار، ۱۳۶۳: ۱۵۴) مدنیت و شهرنشینی به شیوه غربی که از دوران قاجار در ایران متداول شده بود بر بنیان های فرهنگی و اجتماعی این دوران موثر است. ایرانیان با جوامعی آشنا شدند که هیچ مناسبت و مشابهت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با جامعه ایرانی نداشت.

امیرکبیر در دوران صدارت خود بیشترین تلاش را در ایجاد روابط درست و تاثیر گذار با غرب نمود، بدین صورت که وی برای گسترش صنایع و علوم جدید که در موازنه با غرب میسر می شد راهکارهایی ارائه نمود. « امیرکبیر حتی در این اندیشه بود که صنعتگران و هنرمندان فرنگی را به عنوان مهاجر به ایران بیاورد تا فنون غربی را رواج دهند. در جهت عقلی و رواج دانش جدید نیز کارهایی صورت گرفت: عقاید کپرنیک و اصول علمی نیوتن شناخته شد، و عباس میرزا خود نزد یکی از افسران فرانسوی به آموختن فن ریاضیات پرداخت. از این دوران، به فرستادن شاگردان ایرانی به اروپا دست زدند. نخست قرار بود به فرانسه روانه گردند و چون سرنگرفت به انگلستان اعزام شدند.» (آدمیت، ۱۳۴۸: ۱۶۲) اعزام دانشجو به خارج از ایران برای تحصیل علوم و فنون از اقدامات بنیادین در زمینه اصلاحات بود که از

دوران عباس میرزا شروع شده و در دوران امیرکبیر گسترش یافت. این اقدام سبب شکل گیری گروهی از روشنفکران گردید که در جهت اصلاح علوم و فنون و جامعه ایران در دوران بعد از امیرکبیر کوشیدند.

دوران قاجار به سبب عواملی چون: ۱. سفر شاهان قاجار به اروپا و آشنایی با تمدن غرب ۲. گسترش روابط سیاسی و فرهنگی با کشورهای اروپایی ۳. تاسیس دارالفنون ۴. اعزام دانشجویان به کشورهای اروپایی و روسیه برای تحصیل علم و فن ۵. همزمانی با انقلاب صنعتی و عواملی از این دست، عصر تحولات بنیادینی است که بستر شرایط اجتماعی و اقتصادی دوران معاصر را فراهم می سازد.

۱-۱-۱ گسترش روابط ایران با کشورهای غربی:

تاریخ تحول فکری و اجتماعی ایران که بنیادهای کهن اجتماعی اش در برخورد با فرهنگ و مدنیت غرب قرار می گیرد از مباحثی است که سبب مطالعه این روابط می گردد. ایران در دوران قاجار روزگاری را سپری می کرد که انقلاب صنعتی در کشورهای اروپایی و روسیه به سرعت سبب رشد و ترقی صنایع و در پی آن تولیداتی با کیفیت و قیمت مناسب گردیده بود. حال آنکه زندگی در ایران به شیوه سنتی جریان داشت. رویکرد حکومت قاجار نیز به کشورهای صنعتی و قدرتمند آن عصر به گونه ای متفاوت از دوران صفوی و زند بود. شاهان قاجار از ابتدا، در پی گسترش این روابط کوشیدند، چه بسا که بهای برقراری و بسط این رابطه در موارد بسیاری فقط در جهت برآورده ساختن اهداف کشورهای مقابل بوده است.

اولین نشانه های تمایلات ایران در گسترش رابطه با غرب از دوران صفوی آغاز می گردد و در دوران قاجار به سبب عوامل متعددی وسعت می یابد. «گرایش ایرانیان به غرب نخستین بار در زمینه های نظامی آشکار شد. هر چند فتحعلیشاه هیچگاه به اروپا سفر نکرد، پسرش، ولیعهد عباس میرزا، که به عنوان حاکم آذربایجان در تبریز سکونت داشت، خاصه پس از سال ۱۲۲۵ ه. ق که وظیفه برقراری ارتباطات خارجی به وی محول شد اطلاعات جامعی در مورد اروپا کسب کرد.» (خلیلی، ۱۳۸۳: ۹۵) به طور حتم، رابطه با غرب برای ایران منافع بسیاری را در پی داشت که این روابط به جهت سیاستهای سلطه طلبانه کشورهای صنعتی با دادن امتیازات از سوی ایران همراه می شد.

در دوران قاجار فقط به سبب روابط سیاسی و اقتصادی تغییرات صورت نمی گیرد، بلکه این دوران تغییرات لازمه زندگی بشر می گردد و شیوه های سنتی زندگی از جمله آموزش، روشهای رفت و آمد در بین سرزمین ها و روزنامه ها، حتی بدون عواملی چون رابطه سیاسی کشورها نیز تغییر می نماید. هر چند این عوامل نقش شایانی در سرعت بخشیدن به تغییرات در ماهیت و نحوه زندگی داشته است. «در سرتاسر قرن نوزدهم گرایش تدریجی به سوی نوین سازی و استفاده از روشهای غربی وجود داشت که عواملی چون مسافرت زیاد به خارج و تعلیم و تربیت نوین و ترقی روزنامه ها، در این امر دخیل بودند.» (لمبتون، ۱۳۷۵: ۱۲۸) ایرانیانی که با شروع قرن نوزدهم توانستند به خارج از ایران مسافرت نمایند، می توان به چهار گروه اصلی تقسیم نمود: تجار، دیپلماتها، محصلین و مهاجرین از ایران. البته شماری از درباریان

قاجار و ایرانیان دیگر نیز در این دوره به خارج از کشور مسافرت کردند که لزوماً در این چهار گروه قرار نمی‌گیرند؛ مانند برخی از شاهزادگان، افراد ثروتمند یا متوسط الحال که به صورت شخصی یا سیاحت سفر می‌کردند. اما در مجموع اکثریت را همان چهار گروه اصلی تشکیل می‌دادند.

از زمینه‌های دیگر رابطه با غرب، گسترش روابط سرمایه‌داری در ایران بود که شاه در نتیجه مشاهده صنایع غربی در پی آن بود. «ناصرالدین شاه این امر را درک می‌کرد که ایران بدون کمک خارجی قادر به تغییر خویش نیست و در هر صورت نمی‌توان از مداخله خارجی جلوگیری کرد، بنابراین سیاستی اتخاذ کرد تا قدرتهای خارجی را به سرمایه‌گذاری در ایران وادارد، به این امید که آنها به توسعه و پیشرفت ایران کمک کنند. زیرا این قدرتها برای حفظ و تامین منافع خود، در عمران کشور با هم رقابت می‌کردند.» (لمبتون: ۱۲۸)

«از اواسط قرن سیزده هجری روابط میان قاجار و سرزمین‌های خارجی به شکل قابل توجهی فزونی یافت. ناصرالدین شاه نخستین زمامدار ایرانی بود که به طور صلح‌آمیز به امپراتوری عثمانی و همچنین نخستین پادشاه ایرانی است که به اروپا سفر کرده است. او در سال ۱۲۹۰ هجری در سفرش به اروپا از مسکو، سن پترزبورگ، برلین، کلن، فرانکفورت، بن، بروکسل، لندن، منچستر، پاریس، ژنو، تورین، سالزبورگ و وین دیدن کرد و از طریق استانبول و تفلیس به ایران بازگشت.» (خلیلی، ۱۳۸۳: ۱۰۰)

سفر شاه به اروپا به سبب ورود دوربین عکاسی، سبب کسب این افتخار گردید که ایران سه سال پس از اختراع دوربین عکاسی، این هنر را تجربه می‌کند. سوغات شاه از سفر به اروپا، مملو از کالاهای تجملاتی بود که یا از جانب دولتهای میزبان به شاه اهدا می‌گردید و یا وی برای زندگی به سبک اروپایی در کاخهای خود خریداری می‌نمود. «پس از آن شاه در سالهای ۱۲۹۵ و ۱۳۰۶ هجری نیز به اروپا سفر کرد. وی در بازگشت از این سفرها دانش گسترده‌ای از جهان کسب کرده و بسیاری چیزهای جدید با خود به همراه آورده بود.» (خلیلی، ۱۳۸۳: ۱۰۰)

دیدار شاه از سرزمین‌هایی که دنیایی متفاوت از سرزمین ایران بود، شاه ایران را بر آن داشت که اقداماتی در جهت اصلاح و نوسازی ایران و بالاخص تهران نماید. و به طور حتم ویژگی مهم و بنیادینی که سبب کارآمدی حکومت دوران ناصرالدین شاه نسبت به سایر شاهان قاجاری گشت، حضور امیرکبیر به عنوان صدراعظم بود. «در

اوایل حکومت ناصرالدین شاه و به مدد تلاشهای صدراعظم توانمندش، میرزا محمدتقی خان امیرکبیر(۶۸-۱۲۲۲ ه.ق) اصلاحات مبتکرانه ای در زمینه حکومت، اقتصاد و آموزش کشور پدید آمد.» (خلیلی، ۱۳۸۳:۱۰۰)

آشنا شدن ایرانیان با شیوه زندگی اروپایی و سفرهای ناصرالدین شاه و همراهان به اروپا، شوق و رغبت مبالغه آمیز اقتباس مظاهر زندگی اروپایی را برانگیخت. رغبت ایرانیان به استفاده از امتعه خارجی، از سفرهای ناصرالدین شاه و درباریان او به اروپا فزونی یافت. نقش دربار در افزایش میل و رغبت ایرانیان به خرید کالاهای تجملی غربی غیر قابل تردید بود. بدین صورت بود که شیوه های زندگی اروپایی در بسیاری موارد بر زندگی ایرانیان تاثیر گذارد. نخستین خط تلگراف که در سال ۱۲۷۵ ه.ق احداث شد، تهران را به سلطانیه مرتبط کرد. خطوط تلگراف ارتباطات داخلی را توسعه بخشید و سرآغازی برای برقراری ارتباط با جهان خارج شد. از سال ۱۲۸۷ ه.ق نظام پستی نوینی به وجود آمد و شهر تهران با چراغهای گازی و الکتریکی روشن شد. در سال ۱۳۰۶ ه.ق به منظور توسعه اقتصادی ایران امتیازاتی به بارون ژولیوس دورویتر اعطا شد، او نیز با افتتاح بانک اقدام به کشف و استخراج ثروت های زیرزمینی ایران کرد. از سال ۱۳۰۸ ه.ق خطوط تراموا در پایتخت احداث شد. در خلال این دهه نوسازی و تغییر، دیدگاههای جدیدی در زمینه معماری و هنر بوجود آمد. (خلیلی، ۱۳۸۳:۱۰۰)

ناصرالدین شاه با تغییر در بافت سنتی تهران سعی در ایجاد شباهت هایی بین تهران و شهرهایی که در فرانسه دیده بود نمود «از سال ۱۲۸۴ هجری قمری ناصرالدین شاه دست به گسترش و بازسازی تهران زد. مناطق پر ازدحام شهر را از بین برد و به جای آن خیابان ها و میادین مختلف بنا کرد. دیوارهای قدیمی شهر تخریب شد و تهران چهار برابر منطقه ای که در اوایل قرن ۱۳ ه.ق داشت، وسیع تر شد، با باروهایی ملهم از استحکامات پاریس که پیش از جنگ فرانسه با پروس ساخته شده بود. دروازه های شهر مزین به کاشی های براق با تصاویری از جنگ های رستم بود. ارگ نیز بازسازی شد، کاخ گلستان را هم با آینه کاری، نقاشی و کاشی کاری هایی با نقش انسان و گل و گیاه آراستند. ناصرالدین شاه در شمال تهران کاخ های تابستانی عشرت آباد، سلطان آباد و صاحبقرانیه را بنا کرد. مسجد سپهسالار در تهران و مسجد ناصرالملک در تهران نیز از بناهای مذهبی است که ناصرالدین شاه در دوران خود بنا نمود.» (خلیلی، ۱۳۸۳:۱۰۱) شاه به طور حتم می دانست که ایرانیان

به سبب بن مایه های مذهبی دارای تمایلاتی مذهبی و سنتی می باشند و بنابراین در این نوسازی، مساجد و زیارتگاهها و آرامگاهها را نیز از یاد نبرد. در حالیکه این محافظه کاری را در کاخها و دربار لازم نمی دید و آنرا برای سفیران و مهمانان خارجی خود به شیوه اروپایی می ساخت و تزیین می نمود. « گرایش به شیوه های اروپایی به طور فزاینده ای در دربار رواج می یافت. در سال ۱۲۶۷ لیدی شیل برخی از اتاق های کاخ تهران را تقلید دقیقی از اتاق های پذیرایی اروپایی می بیند.» (خلیلی، ۱۳۸۳: ۱۰۱)

مسافرت به روسیه و کشورهای غربی در این دوران همزمان با تاسیس دارالفنون و آشنایی ایرانیان با دانش و فنون غربی سبب شکل گیری قشری متجدد و روشنفکر گردید که در صدد تحول و اصلاح نظام سنتی ایران برآمدند. شاه و حکومت بیشترین تاثیرات را در مواجهه با غرب پذیرفتند. گرایش ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به سبب مسافرت با اروپا در این میان بیش از سایرین بود. تاحدی که در دادن امتیازات در ازای روابط دوستانه به اروپاییان تعلق نمی ورزیدند.

۱-۱-۲ تاثیرات دارالفنون:

از اقدامات مهمی که امیر کبیر در دوران صدارت خود انجام داد و سبب تحولات بنیادین در دانش و فرهنگ و هنر و صنایع آن دوران گشت، تاسیس مدرسه دارالفنون بود. همانگونه که در قبل ذکر شد، عباس میرزا در اوایل قاجار اطلاعات جامعی از اروپا جمع آوری نمود و به طور حتم جای خالی مدرسه ای برای آموزش فنون و هنرهای نوین در ایران را احساس نموده بود. جهان در قرن ۱۸ و ۱۹ دورانی را سپری می نمود که شیوه های تولید سنتی و علوم قدیم با پیدایی صنایع و نظریه های جدید منسوخ شده بود و این تغییرات در روند زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم نیز تاثیر نهاده بود. شیوه های آموزش سنتی نیز جای خود را به آموزش علوم و فنون جدید داده بود.

حال آنکه آموزش در ایران به چه صورت بوده است؟ شمیم در این باره می گوید: «تربیت خانوادگی، بر اساس آشنا ساختن کودکان به تکالیف شرعی و اجرای دستورات مذهبی و انجام عبادات و اصول مذهبی بود. مکتب تربیتی بعد از خانواده عبارت بود از مسجد و منبر که هم مرکز اجتماع و آشنایی مردم با یکدیگر و هم کانون ارشاد اخلاقی و مذهبی و به هر تقدیر وجود این مکتب بزرگ در طرز تفکر و عقاید عمومی اکثریت مردم ایران موثر بود. و اما تعلیم و تربیت اختصاصی برنامه کار

مکتب خانه بود که این وظیفه در اکثر نقاط ایران بر عهده روحانیان بود. شاهزادگان و اعیان زادگان معمولاً به مکتب خانه نمی رفتند و معلم اختصاصی (معلم سرخانه) به آنان تدریس می کرد که با بعضی علوم غیرمذهبی نیز آشنا می شدند.» (371:1362)

در واقع امیرکبیر با شناخت و مطالعه در مورد آکادمی و مدرسه های مختلف روسیه و دیدار از آنها متوجه تفاوت عمیقی که در زمینه آموزش در ایران و کشورهای صنعتی در آن دوره وجود داشت، گشته بود. علاوه بر این مشاهدات، «دومین سفر خارجی امیرکبیر به عثمانی که از ۱۲۵۹ تا ۱۲۶۲ هجری به درازا کشیده بود او را بیش از پیش با ترقیات سایر کشورها آشنا ساخته بود. افزون بر تاثیرات این سفرها، خواندن شرح حال موسسات آموزشی اروپا و شنیدن خبر تاسیس دارالفنون عثمانی در سال ۱۲۶۵ ق (۱۸۴۸م) و آشنایی با ایرانیان تحصیل کرده در اروپا و از سوی دیگر مکاتبات و ارتباط منظم با رشیدپاشا صدراعظم اصلاح طلب عثمانی و همچنین نیاز شدید کشور به نیروهای متخصص به ویژه در شاخه نظامی، امیرکبیر را پس از رسیدن به مقام صدارت مصمم به ایجاد مدرسه ای نوین در تهران به سبک اروپایی کرد.» (متولی حقیقی، ۱۳۸۶:۱۱۶) از آن گذشته وی می دانست که برای پیشرفت علوم و فنون جدید نیاز به شیوه ای متفاوت از شیوه آموزش سنتی است که این تغییرات نیز، در ابتدا با حضور اساتیدی آشنا به علوم و فنون جدید میسر می گشت.

همه این عوامل سبب پیدایش تفکر تاسیس دارالفنون در ایران گشت. تا اینکه «سنگ بنای دارالفنون در اوائل ۱۲۶۶ هجری در زمین واقع در شمال شرقی ارگ سلطنتی که پیش از آن سربازخانه بود، نهاده شد. نقشه آن را میرزا رضای مهندس که از شاگردانی بود که در زمان عباس میرزا برای تحصیل به انگلستان رفته بود، کشید؛ و محمدتقی خان معمارباشی دولت آن را ساخت. ساختمان دارالفنون تا اوایل ۱۲۶۹ به پایان رسید.» (آدمیت، ۱۳۴۸:۳۵۵)

همزمان با شروع ساختمان دارالفنون، امیرکبیر یکی از کارمندان وزارت خارجه به نام مسیو جان داوود را برای استخدام شش نفر معلم متخصص به اتریش فرستاد. «امیرکبیر با توجه به امکان دخالت معلمان روسی و انگلیسی در امور سیاسی ایران با استخدام معلم از این دو کشور مخالف بود.» (پولاک، ۱۳۶۸:۲۰۶) «او می خواست معلمان را از کشوری انتخاب کند که در ایران به دنبال اهداف سیاسی دولت خود نبودند و با روس و انگلیس نیز منافع مشترک نداشته باشند.» (یغمایی، ۱۳۷۶:۴۹)

در این راستا معلمین اتریشی که دولت آنها نسبت به مسائل ایران بی طرف بود، مورد توجه قرار گرفت.

هرچند امیرکبیر در زمان تاسیس دارالفنون از صدارت برکنار و به قتل رسیده بود، اما برای همیشه نام وی در کنار افتخارات دارالفنون حفظ و سیاست های امیرکبیر در تاسیس دارالفنون تا حدودی رعایت شده است. هرچند با تداوم آموزش در دارالفنون، عوامل گوناگونی سبب انحراف از مسیر اصلی اهداف بنیادین تاسیس این مرکز گردیده بود که سبب ناکامی هایی نیز در این مدرسه گردید. و این ناکامیها در برآوردن انتظارات روشنفکران ایران دلایل متعددی دارد. «توام کردن سیاست با تدریس یکی از این علتها بوده است. میرزا ملکم خان معلم و مترجم دارالفنون با ترویج فراماسونی و تبلیغ اندیشه های جمهوری خواهی در سیاسی کردن آموزش نقش اساسی داشت. ترس از رسوخ این افکار در ذهن دانش آموزان تا آن اندازه در ذهن ناصرالدین شاه زیاد بود که وی یک دهه بعد از تاسیس مدرسه اسم آن را با تنفر و انزجار می شنید.» (مخبرالسلطنه هدایت، ۱۳۷۵: ۵۳)

دکتر آدمیت در عمده نتایج و تاثیرات دارالفنون در یک جمع بندی می گوید: «دارالفنون به عنوان یک بنیاد فرهنگی نو در سه جهت اصلی در هیات جامعه ایران تاثیر بخشید. یکی از نظر تحولات عقلانی؛ گرچه تعلیمات دارالفنون مقدماتی بود، چون در محیط نیمه خلاء فکری زمان انعکاس یافت، ارزش آن از لحاظ کیفیت به مراتب مهمتر از کمیت آن است. با نشر اصول علمی جدید نقص تعالیم پیشینیان تا اندازه ای آشکار گردید، و دانسته شد که قسمت زیادی از آموخته های گذشته پایه اش بر آب است- و قسمت دیگر آن ناقص و نارسا. دوم اینکه از نخستین سال گشایش دارالفنون، معلمان به نگارش کتابهای تازه ای پرداختند که به دستیاری مترجمان و شاگردان بطبع رسید- و بر اثر آن دانش غربی میان طبقه وسیعتری از جامعه شناخته شد. از این نظر دارالفنون دریچه ای به سوی جهان معرفت نو باز کرد. سوم اینکه با گذشت زمان از فارغ التحصیلان آن مدرسه صنف تازه ای به وجود آمد که بیشتر از فرزندان دیوانیان و لشکریان و درباریان و برخی شاهزادگان بودند. این طبقه به روشنفکری گراییدند- و از میان آن عناصر نوجو و ترقیخواهی برخاستند که در تحول فکری دو نسل بعد اثر گذاشتند.» (۱۳۴۸: ۳۵۴) آشنایی قشر جوان و نوظهور با معلمان غربی و در پی آن با تحولات غربی، نیاز به اصلاحات جدید را در این گروه ایجاد نمود. دارالفنون به عنوان اولین نهاد فرهنگی که پنجره ای رو به

سوی دنیایی متفاوت از مشخصه های آن دوران بود، نه تنها دانش آموزان را، بلکه با انتشار روزنامه و ترجمه منابع جدید، به آگاهی عمومی در عامه مردم منجر شد. و در نتیجه گرایش به اصلاحات همه جانبه در جامعه سنتی ایران زمینه مجموعه تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی را که انقلاب مشروطیت ایران نقطه ی اوج آن بود، فراهم ساخت.

جامعه ایران در عصر قاجاریه به تدریج با دو دسته تغییرات روبرو گردید: از یک سو، گسترش شهرنشینی و تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی نیازها و انتظارات جدیدی را از حکومت به همراه آورد؛ نیازها و توقعاتی که حاکمیت قاجاریه نه اعتقادی به برآوردن آنها داشت و نه حتی اگر هم اعتقاد داشت به لحاظ مالی، اجرایی، دانش مدیریت، تجربه، فن سالاری و تخصص، قادر به پاسخگویی آنها بود. از سوی دیگر، گسترش سریع ارتباطات در قرن نوزدهم در قالب پیدایش تلگراف، راه آهن، کشتی بخار، صنعت چاپ، ترجمه کتاب، روزنامه و مهم تر از همه مسافرت هزاران ایرانی برای نخستین بار به خارج از ایران، باعث شد تا ایرانیان با جوامع دیگری آشنا شوند. جوامعی که نه به واسطه شهرنشینی، نه به لحاظ شکل حکومتی، نه به لحاظ حاکمیت قانون و امنیت مدنی انسانها در آن، نه به لحاظ آشنایی با علوم و فنون جدید و پیشرفت و ترقی و نه به هیچ لحاظ دیگری با ایرانی که ایرانیان می شناختند هیچ شباهتی نداشت. تغییراتی از این دست زمینه ساز پیدایش فکر تغییر و ضرورت ایجاد اصلاحات در ایران شدند.

آشنایی با مظاهر غرب در ایران، در پی سفرهای درباری و شاهانه آغاز می شود. در این دوران به طور همزمان گرایش به شیوه های زندگی لوکس و تجمل گرایانه در کشورهای اروپایی متداول شده بود که موج های آن در ایران قاجاری نیز با ورود کالاهای لوکس و تجمل گرایانه مشاهده می شود. شاهان قاجاری و به خصوص ناصرالدین شاه، در بازگشت از سفر کالاهایی که یا به ایشان اهدا شده بود و یا در بازدید از کارخانه و بازار خریداری نموده بودند، در نمایشگاههایی در بازدید عموم قرار می دادند. اشیایی چون ساعت، لوسترها، چهلچراغ ها و ظروف تزیینی که وجوه تزیینی آن، بیشتر از جنبه های کاربردی آن بوده است. در این دوران کالاهای تجملی وارد لیست اجناس تجددگرایانه ای می گردد که در مواردی از نیازهای واجب و روزمره پیشینی می گیرد.

۱- 2 هنر و صنایع دوران قاجار

ایران در اوایل دوران قاجار دارای نظام اقتصادی سنتی بود که بر پایه کشاورزی استوار بود. صنایع نیز در این دوران به شیوه سنتی و به صورت نسل در نسل در خانواده ها موروثی بود. در شهرها به موازات پیشرفت صنایع، سازمانهای صنعتی به شیوه ابتدایی نگاهداشته شده بود. محصولات صنایع خانگی که به وسیله دهقانان و کوچ نشینان دامدار در کارگاههای ساده آماده می شدند نیازمندی های کشور را از لحاظ پارچه های نخ و ابریشمی و ظروف مسی تامین میکردند. «قالی، برخی از پارچه ها و کالاهای دیگر به خارج، از جمله کشورهای همسایه، روسیه و اروپای باختری صادر می شدند. صنایع با بازرگانی پیوندی ناگسستنی داشتند. معمولاً کارگاهها در بازارها متمرکز بودند در این جا هم کالا تولید می شد و هم به فروش می رسید.» (گرانوسکی، ۱۳۵۹: ۳۰۹) بازار در دوران قاجار نه تنها مرکز اقتصادی بلکه به میزان چشمگیری مرکز زندگی سیاسی شهر به شمار می آمد. گاهگاهی به نشانه اعتراض علیه تعدیات دولت، پیشه وران و کاسب ها، بازارها را می بستند و اینگونه زندگی شهر را کم می شد، که این قدرت و میزان نفوذ طبقه بازرگان را بر دولت و حکومت بیان می دارد. بازرگانی داخلی نسبتاً به میزان گسترده ای رواج داشت و قسمت مهمی به دست بازرگانان کوچک و متوسط انجام می گرفت. گرانوسکی در ادامه بیان می دارد: «بازرگانان با سرمایه های بزرگ، کمتر وجود داشتند. پیشرفت طبیعی گردش کالا و ایجاد بازار واحد، به انگیزه پراکندگی فئودالی روند عادی خود را طی نمی کرد، شورش گاهگاه خانهای جدایی خواه و جاه طلب، تعدی حکام، اقدامات فرسوده کننده روحانیان که کارهای قضایی و دادرسی کشوری به دست آنها اداره می شد، راهزنیهایی که در راههای بازرگانی انجام می گرفتند و باعث اخذ عوارض به منظور ایجاد راهها از بازرگانان و پیشه وران می شدند، همه اینها راه پیشرفت و بازرگانی و کسب و کار را سد می کرد.» (۳۰۹: ۱۳۵۹)

نظام سنتی صنایع ایران در این دوره، دیگر پاسخگوی نیازهای شهری که متأثر از غرب گشته بود، نبود. «صنایع ایران عموماً دستی بود و ابزار و آلات ساده و مختصر در صنعت به کار می رفت و نیروی اساسی مولد عبارت بود از نیروی فکری و قوه محرک عبارت بود از نیروی جسمی کارگران کارگاه.» (شمیم، ۱۳۸۴: ۳۸۹) از این رو بود که ترقی صنایع در راس اصلاحات امیرکبیر قرار گرفت. «یکی از موارد مهم برنامه امیر در ترقی ایران ایجاد صنایع جدید بود. بارها می خوانیم که: «اولیای دولت